

Heute fiel niemandem etwas Neues ein: nicht dem größten, nicht dem schnellsten, nicht dem lustigsten und auch nicht dem leisesten Elefanten. Alle lagen sie faul in der Sonne. Doch gerade, als der größte Elefant das Maul öffnete, um zu gähnen, da rappelte sich der lustigste Elefant auf.

„Ich weiß, was wir machen!“, sagte er. „Wir veranstalten einen Rüsselknotenwettbewerb!“



امروز هیچ کدام از فیل‌ها کار جدیدی به فکرش نمی‌رسید: نه بزرگترین فیل، نه سریع‌ترین فیل، نه بامزه‌ترین فیل و نه ساکت‌ترین فیل. همه فیل‌ها با تنبی در آفتاب دراز کشیده‌بودند. اما درست همان وقتی که بزرگترین فیل دهانش را باز کرد تا خمیازه بکشد، بامزه‌ترین فیل بلند شد و گفت: «فهیمیدم امروز چه کار کنیم! مسابقه گره زدن خرطوم می‌دیم!».